

## برنامه‌های هفته اول جشنواره تئاتر مقاومت

برنامه هفته اول اجراهای «مسابقه تئاتر صحنه‌ای» و «بخش مهمان» نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت اعلام شد. بر این اساس نمایش «چند گرگ از عروسی مادرم ماه‌جان» به کارگردانی احسان جانی‌ما تاپایان روز سیزدهم آذر هر روز ساعت ۱۹ در تالار هنر شهر اصفهان پذیرای مخاطبان است. نمایش «منی‌شناسی‌ام‌ای دوست» به‌کارگردانی ملیحه سلیمانی هم تا ۱۷ آذر ساعت ۱۹ به اجرای خود در تماشاخانه

یک دکترین است که آن دکترین باورها، چشم‌اندازی داشته که تبدیل به اهدافی شده واین فرد در راستای آن اهداف از اوانتظار دارد. اطلاع دارید که در کشور ما دستگاه‌های مختلف نمایندگی‌هایی در شهرهای مختلف دارند اما آیا همکاران ما دارای نگاه، سلیقه‌ها و تحلیل‌های مختلف نیستند، چرا ما همه خروجی‌هایی که می‌بینیم، اکثر شبیه و مشابه هم هستند؟ چرا قادر نیستیم از مرز کلیشه عبور کنیم و کلیشه‌های مختلف ما را متوقف کرده‌اند!

**[۱] آن هم در صنف یک متوقف کرده‌است!**

انتظار از فردی که نام خودش را روزنامه‌نگار، خبرنگار و... گذاشته، فراتر از این است، اول این که فرد در راستای دکترینی که به آن ملتزم و متعهد است، قدم بردارد. دوم این که خلافت به خرج بدهد و نوآوری داشته باشد. امروز که ما نیاز به ابزار گران‌قیمت برای تهیه یک روایت، گزارش و حتی موجی که فرد می‌تواند ایجاد کند، نداریم چرا شاهد انجام بهینه و مؤثر این موارد نیستیم؟ آیا آموزش‌های ارائه نشده است؟ آیا اختیارات لازم داده نشده است؟ در آن احساس آزادی عمل بکند، وجود نداشته و با عدم وجود چنین چهارچوب‌هایی فرد دچار یک نوع خودسانسوری شده است؟ یک نکته هم هست که به گمانم توجه به آن قابل تأمل است.

این که بسیاری از این چهارچوب‌ها و گاه باید و نباید‌ها و قول و قرارهای کاری در کشور ما به صورت شفاهی است، به همین دلیل وقتی یک مدیر رسانه جابه‌جا می‌شود، افراد سعی می‌کنند براساس شناختی که از مدیر جدید دارند، خودش‌ان را با انتظارات و ویژگی‌های مدیریتی آن شخص هماهنگ کنند. کار پیچیده‌ای که تنظیم‌گری در آن سخت است و شاید بیش از ۵۰درصد انرژی فرد در همین زمینه صرف می‌شود و او را از کار، هدف و مأموریت اصلی‌اش باز می‌دارد. موضوعی که مطرح می‌به نظر من برای رسانه یک خطر است و فرد را در حیطه عمل محدود می‌کند. در

اینجا و در بخشی از ماجرا به نظر می‌رسد که بخشی از آن نجبگی و نگاه به استعداد و ظرفیت افراد فراموش شده است. **[۲] چیزی که باعث می‌شود نیروهای میدانی با اندیشه و هدف را به کارمندهای معمولی تبدیل کند**

**که دغدغه اصلی آنها همان انجام مأموریت‌های اداری و سازمانی است. به خصوص که کار در حوزه رسانه نیازمند تفکر، اندیشه، خلاقیت و شجاعت است و نمی‌توان با حرکت در محدوده و محدودیت‌های مرسوم اداری، فردی مفید و مؤثر برای یک رسانه بود.** بگذارید از اینجا شروع کنیم که ما وقتی از یک سازمان رسانه‌ای صحبت می‌کنیم، مثل هر سازمان دیگری الزامات خودش را دارد. Organization در زبان انگلیسی از Organ صحبت می‌کند. یعنی وقتی از انگلیس به عنوان یک اندام زنده یاد می‌کنند، از نوع تفکر مکانیکی خارج و وارد تفکری شده‌اند که سازمان را به عنوان یک موجود زنده که حیات دارد مورد توجه قرار داده‌اند. حالا با چنین نگاهی وقتی رسانه به عنوان یک سازمان مورد توجه قرار می‌گیرد، در درجه اول دارای پیچیدگی‌های به‌مراتب بالاتر از سازمان‌های صنعتی و خدماتی است. ثانیاً رسالت آن بسیار گسترده‌تر است، زیرا جدای از آنچه در فضای کسب‌وکار مطرح است، باید اخلاق، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و همه و‌جوه یک جامعه پویا را پشتیبانی کند. به همین دلیل شاهد

مهر شهکرد ادامه می‌دهد. تالار نخل شهر زاهدان هم تا پایان ۱۷ آذر نمایش «هبله» به‌کارگردانی مسعودنوری از ساعت۱۸:۳۰ پذیرای دوستداران تئاتر است. سالن اصلی تالار مولوی تهران هم با نمایش «گاز» به‌کارگردانی کیانوش ایازی تا ۲۳ ساعت ۱۸:۳۰ میزبان تماشاگران خواهد بود. در سال بهار مشهد هم تا هجدهم آذر ساعت ۱۸، نمایش «زمین، من، یوما» به کارگردانی کریم جشتی در قالب بخش مهمان جشنواره تئاتر مقاومت روی



این که بسیاری از این چهارچوب‌ها و گاه باید و نباید‌ها و قول و قرارهای کاری در کشور ما به صورت شفاهی است، به همین دلیل وقتی یک مدیر رسانه جابه‌جا می‌شود، افراد سعی می‌کنند براساس شناختی که از مدیر جدید دارند، خودش‌ان را با انتظارات و ویژگی‌های مدیریتی آن شخص هماهنگ کنند. کار پیچیده‌ای که تنظیم‌گری در آن سخت است و شاید بیش از ۵۰درصد انرژی فرد در همین زمینه صرف می‌شود و او را از کار، هدف و مأموریت اصلی‌اش باز می‌دارد. موضوعی که مطرح می‌به نظر من برای رسانه یک خطر است و فرد را در حیطه عمل محدود می‌کند. در



**یک خبرنگار باید دارای یک اندیشه و تفکر باشد، یعنی از یک رویداد در قالب کادری که خودش می‌بندد استفاده کند**

هستیم که در رسانه‌های معتبر، معمولاً بخش‌های مختلفی شکل می‌گیرد که بتوانند همه این وجوه را تحت پوشش قرار داده و از آن حمایت و پشتیبانی کنند. بنابراین یکی از مواردی که هر روزنامه‌نگاری باید به آن توجه کند، در گام اول تخصصی کارکردن است. گام دوم هم نگاه سیستمی است. شما در این خصوص به نکته خوبی اشاره کردید و گفتید این موضوع دچار اشکالی است که تنها مختص سازمان‌های رسانه‌ای نیست و در هر سازمان دیگری هم وقتی که مدیر جدید منصوب می‌شود، می‌خواهد تفکر، روش و فرآیند جدیدی را حاکم کند، موضوعی که در دیگر کشورها با سیستمی‌شدن امور حل شده است و در حقیقت فرد دیگری که می‌آید اگر تخصص بیشتری داشته باشد، کار با کیفیت بیشتر و هزینه کمتری انجام می‌شود، نه این‌که بخواهد همه چیز را کن فیکون کند. مناسفانه با وجود این‌که سال‌هاست امکان پیاده‌شدن این نظام سیستمی در کشور ما وجود دارد اما عملیاتی نشده است و بنابراین شاید برداشتن این گام دوم کمی سخت باشد، اما برای درست و حرفه‌ای شدن کار خیلی ضروری است.

اجازه بدهید اشاره‌ای به تجربه شخصی خودم داشته باشم. من به هر سازمان و سیستمی که به عنوان مدیر وارد شده‌ام، حداقل تا شش ماه اول را به این کار اختصاص داده‌ام که گذشته آن سازمان و مسئولیت را با جزئیات مرور کنم. هیچ تعمد و اصراری هم بر تغییر آنچه وجود داشته و امری که جاری بوده نداشته‌ام.

در بحث مدیریت، توجه به این نکته مهم است که وقتی جامعه صنعتی به دوران بلوغ خود رسید، تلاش کرد که مدیریت سیستمی را در سازمان‌ها حاکم کند. این مدیریت سیستمی در جامعه اطلاعاتی به جایی رسیده که اطلاعات مورد نیاز مدیران در دسترس قرار گرفته و مثلاً در خبرگزاری رویترز که یک نگاه خبری است، چنین سیستمی حاکم است. البته لازم است که اشاره کنم ریشه و صاحبان آن یهودی هستند ...

**[۳] نشانه‌اش هم حضور آن در غزه و تصویرسازی خاص این رسانه است.**

بله. البته این جمله متعربه بود و در جایش باید به آن پرداخت. این رسانه به جایی رسیده که می‌گوید اگر شما بخواهید در زمینه نفت کار کنید، من دقیق‌ترین تحلیل‌ها را توسط خبره‌ترین نیروهای رسانه‌ای هر روز در اختیارتان قرار می‌دهم. به این معنا که شما به جای این‌که به تعداد زیادی از افراد خبره حقوق بدهید و با نظرات متفاوت روبه‌رو باشی یا با از خروجی تحلیل‌های رویترز استفاده کن!

**[۴] یعنی درواقع مرجعیت خبری و رسانه‌ای برای خودش ایجاد کرده است.**

بله، دقیقاً. این رسانه جدای از خاستگاه حرفه‌ای و اهداف آن، برای خودش در جهان مرجعیت و مقبولیت رسانه‌ای ایجاد کرده است.

به گونه‌ای که مستندات و اطلاعات ارائه‌شده‌اش قدرت تحلیل به

مدیر می‌دهد. چیزی که باعث می‌شود آن مدیر یا متولی یک مجموعه اقتصادی بداند و بتواند در جایی که به نفع اوست، از روی اطمینان خاطر سرمایه‌گذاری و سازمان خودش را متغیغ کند و رشد و توسعه بدهد. بنابراین امروز با توجه به امکانی که شبکه در اختیار افراد و سازمان‌ها قرار می‌دهد و مثلاً جایی مثل رویترز توانسته درآمد خود را تا حد بسیار زیادی افزایش دهد، چیزی که دیگر اختصاصی و به‌طور خاص و ویژه در اختیار رویترز نیست و به نظر می‌رسد که ما هم نباید این فرصت‌ها را از دست بدهیم.

**[۵] بدین معنی که باید از روش‌های اقتصادی و مناسب استفاده کرده و به سمت ایجاد جایگاه خاص و مرجعیت رسانه‌ای خود پیش برویم. همچنین می‌توان در مراحل بعدی، با توجه به مثالی که ذکر کردید، مدیریت بازار جهانی نفت را نیز به عنوان یکی از اهداف مدنظر قرار داد.** دقیقاً چون داشتن مرجعیت خبری می‌تواند به تصمیم‌سازی و مدیریت امور در حوزه‌های مختلف منجر شود. باید دقت داشته باشیم که این بنگاه‌های خبری از همان آغاز به کار خود، همکاری‌های نزدیکی با سازمان‌های اطلاعاتی داشته‌اند. موضوعی که برال‌ه نظر پوشیده نیست و رسانه‌ها و سازمان‌های اطلاع‌اتی هیچ‌گاه از همدیگر دور نبوده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت رسانه زمانی که به مرجع تبدیل شود، می‌تواند در تحلیل مسائل و موضوعات مختلف دخیل باشد و اهداف و برنامه‌هایش را براساس دکترین خود به‌صورت مستمر و مؤثر دنبال کند تا موفق شود که در تصمیم‌سازی‌های کلان و در سطوح راهبردی نقش آفرینی کند.

اجازه بدهید به همان بحث سیستمی شدن که شما آغاز کردید برگردیم. نکته اساسی این است که ما همواره از دستاوردهایی که با پوست اندازی

### برش



## دکترین رسانه با روحیه کارمندی در تضاد است

**[۶] من از جنبش‌های فردی و افرادی یاد می‌کنم که پیشرفت‌های خوبی دارند اما زمانی که در ساختارهای رسمی قرار می‌گیرند که ویژگی‌های خودش را دارد همین افراد تبدیل به کارمند می‌شوند و دیگر از استعداد آنها استفاده نمی‌شود. آموزش ما، با احترام به همه کسانی که صادقانه تلاش می‌کنند و مؤثر هم هستند، آموزشی واپس‌گراست و زمانی که فرد جذب خارج از کشور می‌شود، آنجا دیگر اهداف مورد نظر آنهاست که باید دنبال کند.** در مدیریت یک استراتژی به نام «استراتژی پدران» داریم که براساس آن گفته می‌شود همه را مثل هم ببینیم! در همین ارتباط گفته می‌شود که شما به عنوان پدر اگر فرزندی داشته باشی که نقصی داشته باشد، هیچ‌گاه هزینه‌کردن برای او را به دلیل نقصی که دارد متوقف نمی‌کنی. ما در سازمان‌هایمان این استراتژی را عامل می‌کنیم و به همین دلیل روش‌مان مانع جلوگیری از خلافت و نوآوری می‌شود.

اگر اجازه بدهید آنچه را بیان شد یک جمع‌بندی کنیم. بحث امروز ما در مورد سازمان‌های رسانه‌ای، مقایسه بین سازمان‌های رسانه‌ای معاند و رسانه‌های خودمان و انتظاری که

صحنه می‌رود. نمایش «اگ رسور» به‌کارگردانی محمدگله ملکی و فرزاد رضانی هم از امروز تا ۲۴ آذر ساعت ۲۰ در پلاتوی ماه حوزه هنری اهواز اجرا می‌شود. در تالار قشقایی مجموعه تئاتر شهر تهران نیز نمایش «پروانه بر نافوس» به کارگردانی علی افشار ساعت ۱۸ روزه‌ای ۱۶ تا ۲۳ آذر به صحنه می‌رود. در همین تالار نمایش «خون خفته» به کارگردانی مهیار رضاخانی ساعت ۲۰ امروز تا ۲۳ آذر روی صحنه است.



## در گفت‌وگو با دکتر سیدمرتضی موسویان، ضرورت و اهمیت داشتن دکترین در رسانه و دلایل قوت و ضعف رسانه‌های داخلی و معاند را بررسی کرده‌ایم

# روایت اول شرط پیروزی

## در رسانه‌های نوین به ادبیات جدید نیاز داریم

**دکتر سیدمرتضی موسویان، دوره‌ای به‌عنوان معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور رسانه‌های دیجیتال، خدمت کرده و مدتی نیز مدیرعاملی انجمن سوادرسانه‌ای ایران را عهده‌دار بوده است. قائم‌مقامی آموزش و پژوهش صداوسیما، ریاست دانشگاه صداوسیما و مدیرکل پشتیبانی فنی آن سازمان از دیگر سمت‌های اداری و رسمی ایشان است. او حالا در دوره بازنشستگی بیشتر در حوزه مدیریت رسانه قلم می‌زند و چندین کتاب نیز تألیف کرده است. در میانه‌های آبان ماه ۱۴۰۳ فرصتی پیش آمد که پس از حضور و بازدید او از تحریریه جام‌جام با وی به گفت‌وگو بنشینیم. گفت‌وگویی که در آن به سازمان‌های رسانه‌ای، عملکرد رسانه‌های معاند و رسانه‌های خودی و برخی ترک‌فعل‌ها و الزامات عمل به اهداف و مأموریت‌های سازمانی در آن بررسی و واکاوی شد. خبرنگار ما در میز فرهنگی جام پلاس درخصوص ضرورت و اهمیت داشتن دکترین در رسانه، واکاوی دلایل قوت و ضعف رسانه‌های داخلی و معاند، تعهد نیروهای رسانه‌ای به رعایت اهداف و مأموریت‌های سازمان مربوطه، تفاوت و تمایز رسانه‌های سنتی و نوین و مهم‌تر از آن تأثیر پیروزی میدان بر توفیق رسانه‌های داخلی با او به گفت‌وگو نشست.**

در جامعه مواجه بوده دور مانده‌ایم. یعنی ما جامعه صنعتی را درک نکرده‌ایم که البته این عدم درک درست و به‌موقع مختص ایران نیست و خیلی از کشورها آن را درک نکرده‌اند.

متأسفانه این اشکالات به‌طور مشابیهی در سازمان و سیستم رسانه‌ای ما نیز وجود دارد. به عبارتی، این امکانات و ظرفیت‌ها باعث شده‌اند که رسانه‌ها از بالای هرم مدیریتی، یعنی سردبیری هدایت شوند یا این‌که توسط برخی خبرنگاران از میانه یا پایین هرم مدیریت شوند. نتیجه این وضعیت مشخص است و به ما آنچه را که امروز درباره‌اش صحبت می‌کنیم تحمیل کرده است. تا جایی که گاهی شاهد هستیم روزنامه رسمی دولت دقیقاً خلاف‌آمد هدف رسمی دولت و یا امضای رئیس‌جمهور عمل می‌کند که در حوزه فرهنگ نمونه‌هایی داشتیم و البته اصلاح شد. شاید بتوانیم ادعا کنیم که درحال حاضر رسانه‌ای – به‌خصوص رسانه‌های مکتوب – در کشور نداریم که دارای این سیستم بوده و در عمل ملتزم به آن باشد. به گونه‌ای این امر سیستمی فراموش شده است که گاه نیروی رسانه‌ای ما مثل سردبیر و خبرنگار و امثالهم تصور می‌کنند این حوزه، حوزه مانور شخصی خودشان است، به‌طوری‌که گاه در برابر برخی راهبردهای اساسی رسانه مقاومت می‌کنند.

**[۷] گاهی نیز شاهد گل به خودی‌هایی هستیم که به شدت به کشور آسیب می‌زند و باید چاره‌ای برای آن اندیشید. این درحالی است که ملتزم به نظام سیستمی هستیم و از طرفی در فرامین دهه‌های گذشته رسانه گیر کرده‌ایم و از استفاده از توانمندی‌های خودمان نیز غافل مانده‌ایم. این درحالی است که رقیب نه تنها خودش را از تله این غفلت‌ها و ماندن در گذشته رها کرده، بلکه برساختن حقایق مورد نظر**

از رسانه‌های خودی داریم بود. انتظاری بر او حداقل برابر با یک سازمان رسانه‌ای رقیب و نگاه و دید تحلیلی شما به جایی برسد که تا نکیند. یعنی چند چنین کاری را در سطح یک عتقی دقیق و مستدل به آن بپردازید. دوم این که یک سازمان رسانه‌ای باید چها مشخص باشد دارای چه دکترینی است. در حقه و مقاصد اساسی وجود دارد باید بر طرف و با رسانه بازگو شود. پس از آن هم باید اهداف تعریف شود.

در گام بعدی باید از ساختارهای سلسله‌مرات نزدیک شویم، امکانی که وجود دارد و باید از در شبکه که می‌تواند هزینه‌ها را تا حد قابل‌تو اگر فردی باشد که در شهر یا استانی قابلیت به دفتر نمایندگی، اداره، سازمان و کارمند اد

### صحنه

## آثروپات‌ها روی صحنه تئاتر کانون



نمایش «آثروپات‌ها» به کارگردانی حسین اسدی از روز ۱۸ آذر در مرکز تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان روی صحنه می‌رود. این نمایش به سفارش مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در جزیره خارک تولید شده و عقیل جماعتی نویسندگی آن را برعهده داشته است. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «ما بچه‌های جنوب روی بازی‌هایمون خیلی تعصب داریم. هرکی بخواد بازیمون رو خراب کنه روزگار رو سیاه می‌کنیم. هرکی... هرکی... حتی اگه اون آدم صدام باشه.» عبد بناری، امیرمحمد شماسی، سعید محمدپور، آیه نبی‌پور، مریم کابی و مریم باگاہی بازیگران نمایش آثروپات‌ها هستند. نمایش آثروپات‌ها دیپلم افتخار و تندیس استیز (سازمان بین‌المللی تئاتر برای کودکان و نوجوانان، دیپلم افتخار و تندیس کارگردانی، دیپلم افتخار و تندیس طراحی صحنه، دیپلم افتخار و تندیس موسیقی، جایزه تقدیر بازیگری مردوزن، دیپلم افتخار و تندیس کار برگزیده و جایزه آمیزه حوزه هنری (هویت ملی) از زیست‌ونهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان دریافت کرده است. این نمایش از روز یکشنبه ۱۸ آذر ساعت ۱۷:۳۰ در سالن بوستان مرکز تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واقع در بوستان لاله‌آرامی‌شود.

### چهره

## میدان دادن به نمایش‌های تجاری



قطب‌الدین صادقی معتقد است مدیریت غلط در سال‌های اخیر به تئاتر ایران لطمه زده و باعث شده نمایش‌های اجتماعی و ایرانی کم‌رنگ و فراموش شوند. وی که به‌زودی نمایش «سفرنامه آبیچي مظفر» را در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه خواهد برد، افزود: مدیریت بی‌تخصص میدان را به کارهای آماتور و تجاری با لحن اقتباس از آثار خارجی داده بود. تنها چیزی که در تئاتر وجود نداشت نمایش ایرانی بود. مدیران بی‌تخصص در این چندسال اخیر ضربه بدی به تئاتر زدند. در تمام جهان مدیران تئاتر‌های بزرگ از بین کارگردان‌های بزرگ ملی صاحب سبک انتخاب می‌شوند، زیرا سلیقه خود را به تئاتر تزریق می‌کنند. وی یادآور شد: تعداد نمایشنامه‌هایی که نوشتم به ۷۰ اثر رسیده و با ترجمه‌هایی که انجام داده‌ام این تعداد به ۸۴ که توسط نشر قطره منتشر شده‌اند. در سال‌های اخیر بی‌کار نبودم و همچنان نمایشنامه نوشته و ترجمه کرده‌ام. برای کارکردن نیاز به حضور مدیریت صحیح در تئاتر، پایگاه، بودجه و گروه خبره است. متأسفانه برای چندین کارگردانی که ذوق تئاتر ملی دارند و دل‌شان برای فرهنگ مملکت می‌سوزد، فضای کارکردن وجود ندارد.

### قاب

## سردیس اکبررادی در سنگلج

**سردیس اکبررادی از سوی شهرداری تهران در خیابان بهشت و پیاده‌راه تماشاخانه سنگلج نصب شد. این سردیس توسط محمود پورنصری‌نژاد و از جنس بتن گلاسه ساخته شده است. تماشاخانه سنگلج طی دهه‌های گذشته میزبان اجرای آثار متعددی به‌قلم زنده یاد اکبر رادی نمایشنامه‌نویس شهیر ایران بوده است. اجرای «ز پشت شیشه‌ها» به‌کارگردانی رکن‌الدین خسروی در سال ۱۳۴۷ سرآغاز اجرای نمایشنامه‌های اکبررادی در تماشاخانه سنگلج بود. نمایش «ارثیه ایرانی» به‌کارگردانی خلیل موحّد دیلمقانی در سال ۱۳۴۹، نمایش «افول» به کارگردانی علی نصیریان در سال ۱۳۴۹، «لیخند باشکوه آقای گیل» به‌کارگردانی رکن‌الدین خسروی در سال ۱۳۵۳ حضور این درام‌نویس کشور را در تاریخ اجراهای تماشاخانه سنگلج نشان می‌دهد.**

